

کلام خدا برای ما زندگی زنده ای را به ارمغان می آورد

اول قرنیتان 14؛ 3-1 .. 20-25



1 پس همیشه در پی محبت باشید و در عین حال مشتاق کسب عطایای روح القدس و مخصوصاً عطیه نبوت باشید. زیرا کسی که به زبانها سخن می گوید روی سخن او با خداست نه با مردم، چون دیگران آنچه را که او می گوید نمی فهمند زیرا او با قدرت روح القدس اسرار الهی را به زبان می آورد. 3. اما از طرف دیگر آنکه نبوت می کند برای تقویت و تشویق و تسلی دیگران با آنها سخن می گوید. 20. ای برادران من، در عقل مانند کودکان نباشید؛ اما نسبت به بدی و شرارت مثل یک نوزاد بمانید و در عقل اشخاص بالغ باشید. 21. در کتاب مقدس نوشته شده است:

«خداوند می گوید که من به زبانهای بیگانه و از لبان بیگانگان با این قوم سخن خواهم گفت و با وجود این آنها به من گوش نخواهند داد» 22 «طبق این کلام، عطیه زبانها نشانه ای است برای بی ایمانان نه برای ایمانداران، حال آنکه نبوت برای ایمانداران است نه برای بی ایمانان» 23. پس اگر تمام کلیسا جمع شوند و به زبانها سخن بگویند و در همان وقت اشخاصی که بی اطلاع یا بی ایمان باشند به مجلس شما وارد شوند، آیا آنها نخواهند گفت که همه شما دیوانه هستید؟ 24 اما اگر همه شما نبوت کنید و شخص تازه ایمان یا بی ایمان به مجلس شما داخل شود، آنچه را که او می شنود، او را به گناهانش آگاه می سازد و به وسیله سخنانی که می شنود دآوری می شود، 25 و اندیشه های پنهانی او فاش خواهد شد و به زانو درآمده خدا را پرستش خواهد کرد و اعتراف می کند که واقعاً خدا در میان شماست.

قبل از همه ان چیزهایی که وجود داشت و خواهد آمد ، خدا سخن گفت. کلام خدا جنبشی را خلق کرد و این جنبش برای ما انسان ها چه بوده است. انسان ها و حیوانات و گیاهان و هستی همه گواه خالق خودشان را می دهند و همه آنها با آرایش خاصی خدا را ستایش می کنند. همه این ها به خاطر اینکه خدا به زبان آورده است رخ داده و این امر در زندگی کوچکترین باکتری تا بزرگترین نهنگ روی زمین صدق می کند. همه هستی جنبش دارند و زندگی می کنند زیرا خدا ان را به زبان آورده است. ما نباید از این تعجب بکنیم که در سرتاسر انجیل داستان هایی از اعمال و رفتار انسان ها وجود دارد. ابراهیم یکی از این افراد بود که با شنیدن کلام خدا ان را انجام میداد. و برای همین او به سرزمین جدیدی نقل مکان نمود. و این داستان برای تمام ایمان داران اینگونه بود چه زمانی که تمام قوم یهود حضور داشتند چه زمانی که چند غیر یهودی حضور داشتند. زمانی که خدا سخن می گوید همیشه چیزی به حرکت در می آید. در انجیل ما شخص غیر یهودی نمی بینیم که در جایی پنهان شده باشد و از خودش چیزهایی را کشف کند. برای همین داستان عیسی یک داستان پر جنبشی می باشد. و برای همین همه به نزد عیسی آمدند و بعد از ان خبر انجیل را به همه جا رساندند. داستان عیسی همانند آفرینش خدا می باشد که تا به امروز می درخشد و انسان ها را به حرکت در می آورد. از این سخن این واضح است که این حرکت ها بدون هیچ اجباری و دارای هیچ برنامه ای از قبل تعیین شده نمی باشد تمام این حرکات فقط از طرف خدا می آید زیرا او قلب انسان ها را تکان می دهد. وقتی که انجیل قلب انسانی را به دست بیاورد دیگر ان شخص ساکت نمی تواند بنشیند. او از شیطان آزاد می شود و یک طبیعت جدیدی را بدست می آورد. و اینها باعث به خواب رفتن او نمی شود بلکه او را به حرکت در می آورد. ادم وقتی که از دست شیطان نجات پیدا کند به ایمان خدا می رسد. او از مرگ نجات پیدا می کند و همچنین دیگر بی امید و مردد نمی شود. شخصی که اینگونه عمل می کند از وجود خودش نمی باشد بلکه از روح خدا تاثیر می گیرد. برای همین برای ما غیر ممکن است که روح خدا را تحت تاثیر قرار بدهیم و برای او برنامه ای ایجاد کنیم و یا او را مجبور به کاری بکنیم. هر زمان که ما بخواهیم که سعی بکنیم این کارها را اعمال بکنیم بلافاصله تاثیر ان در زندگی ما معلوم نخواهد شد ما این امر را در انجیل هم می بینیم. ما امروز در خطبه مان با انسان ها بی آشنا می شویم که این اعمال را انجام داده اند. همه چیز خوب شروع شد. در روز نزول روح القدس خدا قوانین زبان را از بین برد تا مردم سخن های رسولان را متوجه شوند. این موهبت از ان زمان تا الان رواج دارد و در کلیساها می توان این امر را رویت کرد. سخن وری در ان زمان ها همانند روز نزول روح القدس خیلی قابل فهم نبود. برخی اوقات در کلیساها دعاهایی خوانده می شد که هیچ کس ان را متوجه نمی شد. این سخن وری را می توان اینگونه توضیح داد. چیزی که انسان نتواند با فهم و حرکات خودش بیان کند او با یک دعایی با یک زبان دیگر همه انها را اعلام می دارد. من این زبان دعا کردن را اینطوری تصور می کنم. در دعا کردن و در زمان ستایش خداوند کلمات ما نمی تواند اندازه و ابهت خداوند را ابراز

دارند. و برای همین این زبان دعا کردن برای انسان های آن زمان وجود داشته است. و برای همین کسی که اینگونه دعا می کرد از همه چیزهای بد دور می شد و نزدیکی خدا را حس می کرد. ما امروزه در کلیسای خودمان مثال های زیادی را داریم که با برکات فن بیان قابل مقایسه کردن می باشند. اگر کسی در کلیسا آواز بخواند دقیقاً همان کاری را کرده است که بیان و روان آن زمان انجام داده اند. جایی که ما نتوانیم دیگر با کلمات خدا را ستایش کنیم باید دیگر فقط بخوانیم. و در اینجا فقط این فهم این انسان نیست که به حرکت در می آید بلکه تمام وجود او را این هدیه خداوند دربرمی گیرد. ما این قدرت بیان را زمانی که یک تئاتر کلیسایی بازی می کنیم هم دارا می باشیم. بعضی انسان ها هم می توانند با رقص کردن خدا را ستایش نمایند. ما در روزهای کلیسایی خودمان این را متوجه شدیم که با انجام پانتومیم هم می توان این برکت فن بیان را در مقابل خداوند دارا بود. ما امروزه تمام این موهبت فن بیان را دارا می باشیم ولی ما نباید این موهبت را که از خدا می گیریم با زور به پیش ببریم. دقیقاً همان کاری که اولین مسیحیان در قرن نهم در آنجا انجام دادند. این امر در میان این مردم سریع تبدیل به یک سنت گردید. و این پایان کار نبود بلکه آن خیلی بدتر هم شد. خیلی از انسان ها این موهبت را به نحوی استفاده کردند که با آن خودشان را بالاتر از دیگر مسیحیان قرار دادند. و کاری کردند که برای خودشان چیزهایی را بوجود آوردند. قرن نهم در اینجا یک اشتباه اساسی را انجام دادند که انجیل با آن مخالفت کرده است. ما در انجیل می خوانیم که محبت خدا از کلام او نمایان می شود و به سوی آدم ها می آید. ولی کاری که قرن نهم انجام دادند طوری دیگری اتفاق می افتد. آنها محبت خدا را دریافت کردند و آنها آن را برای خودشان نگه داشتند. آنها آن را برای خودشان استفاده کردند. اگر ما موهبت های خداوند را فقط برای خودمان استفاده کنیم نباید از این تعجب بکنیم که چرا همه چیز برعکس می شود و برکات به بلایای تبدیل می شوند. این اتفاق ها در قرن نهم رخ می دهند و باعث ناهماهنگی هایی در آنجا می شود. آنها دیگر نمی توانستند افراد بی ایمان را قانع کنند زیرا خودشان دیگر آن موهبت خدایی را از دست داده بودند و تمام برکات خدا را دیگر در اختیار نداشتند. ای عزیزان من، من خودم از خودم این سوال را می پرسم که آیا ما امروز همان اشتباه قرن نهم را انجام نمی دهیم؟ ما برکات زیادی را از خداوند بدست آورده ایم ما شعرهای زیبایی می خوانیم و خطبه های خوبی را می شنویم. ولی چه می شود اگر ما همه اینها را فقط برای خودمان نگه داریم؟ برای همین ما دیگر نباید تعجب بکنیم که تمام این موهبت ها خداوند از بین بروند. و ما دیگر نمی توانیم بخاطر اعمال خوب خداوند سرودی را بخوانیم. این ایمان زنده ما، که باعث به حرکت درآوردن و آواز خواندن و رقصیدن ما می شود، به شکل یک ستون محکمی می باشد. چیزی که پولس رسول قصد دارد جمیات قرن نهم را نجات دهد. و از این ستون پولس قصد دارد امروز هم ما را هم نجات دهد. و ما انسان ها فقط به یک چیز نیاز داریم و آن هم کلام خدا است که ما را به همه چیز می رساند. همانطوری که کلام خداوند همه هستی را آفرید می تواند تمام دیوارهای اطراف ما را در هم بریزد. پولس هم این کلمات را برای آن دسته از قرن نهم ابراز می دارد تا از راه اشتباه خودشان آگاه گردند. آنها با آن موهبتی که خدا به آنها داده بود گمراه شده بودند. و آنها دیگر جایی برای شنیدن کلام خدا نداشتند. و بجای آن آنها به درون خودشان نگرستند و از خودشان چیزهایی را کشف و ابراز نمودند. ولی پولس به ما این را می گوید که همه چیز ما باید بر پایه کلام خدا باشد. کلام خدا همیشه برای ما خوش آیند نمی باشد اگر زمانی کلام خدا بر ضد احساسات ما باشد آن برای ما بسیار ناخوشایند بنظر می رسد. ما اینها را می توانیم در تمام مسیحیان جهان ببینیم. وقتی که خدا ما را ازاد می کند دقیقاً همانند آن نمونه خودش رخ می دهد. انسان در قلب خودش به گناه خودش پی می برد و در مقابل خدا اعتراف می دارد. و در همان لحظه محبت خدا را می شناسد و آن او را به جان می پذیرد. و وقتی که ما از طرف خدا ازاد می شویم نمی توانیم فقط به آن دلخوش باشیم زیرا کلام او دوست دارد که از ما به بیرون نمایان شود. و دوست دارد که به شخصی دیگر انتقال یابد و در این میان اصلاً مهم نمی باشد که آیا این کلام از زبان کسی بیرون می آید که با صلیب و فرهنگ من جور در نمی آید. خدا قلب من را در بر می گیرد و من از آن بسیار خوشنود می شوم. و من آن را در قلب خودم نگه می دارم. من می توانم افراد دیگر را از همین طریق و به همان شکلی که هستند بپذیرم. و وقتی که یک مسیحی دیگری نسبت به من موهبت های بیشتری داشته باشد با حسرت به او خیره نمی شوم. و برای او خوشحال می شوم. و من می توانم خدا را در ابزارهای موسیقی و تمام کارهای نیک خودم ابراز دارم. من فقط با زبان خودم خدا را ستایش نمی کنم بلکه با زبان های دیگر هم این کار را انجام می دهم وقتی که من بتوانم از هر راهی به وجودیت خدا اشاره کنم پس این عمل را انجام می دهم. و اینها را من با محبت و قلبی باز انجام می دهم. آمین